

# خلاصه الاشعار رباعی نامه ای ارجمند

سید محمد عمادی حائری



درآمد

قریحت گفت:

غلثان غلثان همی رود تا بن گو

شاعر را این کلمات، وزنی مقبول و نظمی مطبوع آمد. به قوانین عروض مراجعت کرد و آن را از مفترعات بحر هزج بیرون آورد و به واسطه آن کودک بر این شعر شعور یافت. و از عظم محلّ و لطف موقع آن به نزدیک او، در نظم هر قطعه بر دو بیت اقتصار کرد، بیتی مصرع و بیتی مقفی. و به حکم آنکه مُنشد و مُنشی و بادی و بانی آن وزن، کودکی بود نیک موزون و دلبر و جوانی سخت تازه و تر، آن را ترانه نام نهاد و مایه فتنه بزرگ را سر به جهان در داد... خاص و عام مفتون این نوع شده اند، عالم و عامی مشعوف این شعر گشته، زاهد و فاسق را در آن نصیب، صالح و طالح را بدان رغبت...<sup>۱</sup>

همو گفته است: «رباعی... به حکم آنکه بنای آن بر دو بیت بیش نیست، باید کی ترکیب اجزای آن درست و قوافی متمکن و الفاظ عذب و معانی لطیف باشد و از کلمات حشو و تجنیسات متکرر و تقدیم و تأخیرات ناخوش خالی بود.»<sup>۲</sup>

رباعی، اصیل ترین نوع شعر فارسی و تجلی گاه ناب ترین اندیشه های اسلامی-ایرانی است. شعری پاکیزه و دور از هر گونه تکلف و تصنع که بازتاباننده دلنوازترین مایه های روح و فرهنگ مردم این سرزمین است.

شمس قیس رازی در المعجم می نویسد:

و یکی از متقدمان شعرای عجم - و پندارم رودکی بود، والله اعلم - ... وزنی تخریج کرده است کی آن را وزن رباعی خوانند. الحق وزنی مقبول و شعری مستلذ و مطبوع است و از این جهت اغلب نفوس نفیس را بدان رغبت است و بیشتر طباع سلیم را بدان میل. و گویند سبب استخراج این وزن آن بوده است کی روزی از ایام اعیاد بر سبیل تماشا در بعضی از منتزهات غزنین برمی گشت... طایفه ای اهل طبع را دید گرد ملعبه جمعی کودکان ایستاده و دیده به نظاره گوزبازی کودکی نهاده... کودکی دیده پانزده ساله، با زلف و عارضی چون سنبل به پرامن لاله... گرددکانی چند از کف به گوی می انداخت و در خفض و رفع خود را از اشارات مردم غافل می ساخت... تا یک باری در انداختن، گرددکانی از گو بیرون افتاد و به قهقری هم به جایگاه باز غلطید. کودک از سر ذکای طبع و صفای

۱. المعجم فی معاییر اشعار المعجم، شمس قیس رازی، ص ۱۱۲-۱۱۴.

۲. همان، ص ۴۱۷.

قرن‌های ششم و هفتم را عصر رباعی خوانده‌اند.<sup>۳</sup> دکتر محمدامین ریاحی در این باره می‌نویسد: «عارفان و حکیمان و شاعران بسیاری را [در این دوره] ... می‌شناسیم که فقط یا اکثر رباعی گفته‌اند. در دیوان شاعران بزرگ آن روزگار رباعی فراوانی می‌بینیم. مثلاً در دیوان عطار ۲۰۹۰ رباعی، مولوی ۱۹۸۳، اوحد کرمانی ۱۶۵۰، کمال اسماعیل ۸۶۷، انوری ۴۷۶، سنایی ۴۲۱، خاقانی ۲۹۷ رباعی هست. در کتاب‌های نثر آن دوره هم، مخصوصاً در آثار صوفیان، رباعی بیش از هر نوع شعر دیگر چاشنی سخن شده است.»<sup>۴</sup>

همین اقبال به رباعی موجب شد که رباعی نامه‌هایی در قرن ششم تا هشتم تألیف گردد. این کتاب‌ها مجموعه‌ای برگزیده از رباعیات‌اند که بر اساس موضوع به باب‌هایی تقسیم شده‌اند. طرفه آنکه موضوعات ابواب این کتاب‌ها به یکدیگر همانندی بسیار دارند. این گونه آثار، جدای از ارزش ویژه خود، از نظر شناخت شاعران ناشناس و نیز نسبت صحیح اشعار به صاحبان آن و دست یافتن بر برخی رباعیات که در دیوان شاعران آنها نیست، حائز اهمیت بسیارند.

قدیم‌ترین اثری که از این رباعی نامه‌ها به دست است، کتابی است به نام مجمع الرباعیات که در آنکارا به دست ابوحنیفه عبدالکریم بن ابوبکر، در پیش از سال ۵۸۸ق تألیف یافته، و فقط برگزیده‌ای از آن - شامل فهرست باب‌ها و تعدادی رباعی - ضمن یک مجموعه خطی در کتابخانه حالت افندی در استانبول بازمانده است.<sup>۵</sup>

پس از آن مختارنامه از عطار نیشابوری (م. ح ۱۸۶ق) است. این کتاب، برگزیده‌ای از رباعیات عطار است که وی از مجموعه رباعی‌های خود اختیار کرده و نام مختارنامه بر آن نهاده است. مختارنامه در ۵۰ باب منظم گشته و شامل حدود ۲۰۸۸ رباعی است. عطار در مقدمه این اثر نگاشته است:

بنابر حکم دواعی اخوان دین، رباعیاتی که گفته شده شش هزار بیت بود، قریب هزار بیت شسته شد که لایق این علم نبود و بدان عالم فرستادیم ... و از پنج هزار دیگر که باقی ماند، این مقدار که در این مجموعه است اختیار کردیم بر این ترتیب و باقی در دیوان گذاشتیم ... و نام این مختارنامه نهادیم. و گمان آن است، و این یقین است، که هیچ گوینده‌ای را مثل این مجموعی دست نداده که اگر دست دادی هرآینه روی نمودی.<sup>۶</sup>

سپس از آن، کتاب نزهة المجالس است که در حدود سال ۶۴۹ق توسط جمال خلیل شروانی گرد آمده است.<sup>۷</sup> این اثر در ۱۷ باب ترتیب یافته که اکثر ابواب آن خود به چند نمط تقسیم می‌شوند. نزهة المجالس شامل ۴۱۳۹ رباعی است که ۵۴ رباعی آن دوبار آمده‌اند که از آن عیان ۱۱ رباعی هریک به نام دو شاعر

آمده است.<sup>۸</sup> کتاب دیگر، مونس الاحرار فی دقائق الاشعار تألیف محمد بن بدر الجاجرمی است که در سال ۷۴۱ق تدوین شده و اگرچه به طور خاص رباعی نامه به شمار نمی‌آید، اما «الباب الثامن والعشرون» از آن «فی ذکر الرباعیات» است.<sup>۹</sup> این باب ۳۵ فصل و مشتمل بر ۴۶۷ رباعی است.

در شمار این رباعی نامه‌ها، اثری است ارجمند به نام خلاصة الاشعار<sup>۱۰</sup> از ابوالمجد محمد بن صدرالدین ملک مسعود قریشی ملکائی تبریزی (زنده در ۷۳۶ق) که در سال ۷۲۱ق در تبریز تألیف گردیده است. اثری که استاد عبدالحسین حائری آن را «مدرک یگانه‌ای برای نمونه شعر جمعی از شاعران و عارفان که غالباً از تبریز بوده‌اند و در جای دیگری یاد نشده‌اند»<sup>۱۱</sup> می‌داند.

#### ابوالمجد محمد بن ملک مسعود تبریزی

آنچه درباره ابوالمجد تبریزی می‌دانیم، منحصر است به نسخه‌ای ارزشمند، موسوم به سفینه تبریز که به سال ۱۳۷۶ش توسط اولیای کتابخانه مجلس شورای اسلامی - به پیشنهاد استاد عبدالحسین حائری - خریداری شد و اینک به شماره ۱۴۵۹۰ در گنجینه نسخ خطی آن کتابخانه محفوظ است.

این نسخه نفیس شامل ۲۰۹ عنوان کتاب و رساله است<sup>۱۲</sup> که ابوالمجد تبریزی طی سال‌های ۷۲۱ تا ۷۲۳ق در تبریز به کتابت آن پرداخته و در سال‌های ۷۲۴، ۷۲۵ و ۷۳۶ق نیز سه رساله دیگر بدان افزوده است. هم‌اکنون اهمیت سفینه تبریز بر پژوهشگران و اندیشه‌وران آشکار است: یادگاری ارجمند از میراث ایران اسلامی و نموداری از حیات فرهنگی تبریز در قرن هفتم و هشتم.

۳. نزهة المجالس، مقدمه مصحح، دکتر محمدامین ریاحی، ص ۴۰.

۴. همان، ص ۴۰-۴۱.

۵. همان، ص ۴۱.

۶. فریدالدین عطار نیشابوری، مختارنامه، ص ۷۱.

۷. نزهة المجالس، مقدمه مصحح، دکتر محمدامین ریاحی، ص ۴۷-۴۸.

۸. همان، ص ۴۶.

۹. محمد بن بدر الجاجرمی، مونس الاحرار فی دقائق الاشعار، ج ۲، ص ۱۱۳۴-۱۲۱۶.

۱۰. کتاب معظم و مشهوری، نیز به نام «خلاصة الاشعار و زبدة الافکار»

می‌شناسیم که تذکره‌ای است مفصل در احوال و اشعار شاعران از

تقی الدین محمد کاشانی (قرن ۱۰-۱۱ق). تاکنون چیزی از این اثر به

چاپ نرسیده و در صورت انتشار، تعداد مجلدات آن از ده‌ها فراتر خواهد

رفت. جزواتی از این کتاب به خط مؤلف در کتابخانه مرحوم فخرالدین

نصیری امینی بوده است که گزارشی از آنها را آقای میر صالح طبیبی در

مقدمه «مونس الاحرار فی دقائق الاشعار» (ص هفت-هفده) آورده است.

۱۱. نامه بهارستان، دفتر ۴، مقاله «سفینه تبریز»، کتابخانه‌ای بین‌الدفتین،

عبدالحسین حائری، ص ۵۹.

۱۲. ر. ک: مقاله پیش گفته در پانویست پیشین.

دکتر نصرالله پورجوادی بر این باور است که «چنانچه ابوالمجد تبریزی به راستی نسبت به همه مطالبی که در این مجموعه گرد آورده اشرف داشته است، باید گفت که او علامه ای کم نظیر بوده و یکی از نوادر روزگار خود و به طور کلی یکی از کسانی بوده است که اطلاعات دایرةالمعارفی داشته اند.»<sup>۱۳</sup>

نه صاحب این قلم در پی اهمیت کم مانند سفینه تبریز و پیشینه و اندیشه ابوالمجد تبریزی است و نه این نوشتار گنجایی آن را داراست. مسئولان اندیشمند مرکز نشر دانشگاهی به انتشار عکسی (=نسخه برگردان) آن دست یازیده<sup>۱۴</sup> و از این راه جمله کاوشگران حیات فکری و اندیشگی اسلامی-ایرانی را و مدار خویش ساخته اند، مرکز اسناد کتابخانه مجلس شورای اسلامی قصد برگزاری همایشی را درباره آن دارد،<sup>۱۵</sup> و دانشورانی چون استاد عبدالحسین حائری و دکتر نصرالله پورجوادی درباره آن سخن گفته اند. آنچه در پی می آید، تنها برخی نکات برجسته در احوال، اساتید و آثار ابوالمجد تبریزی است که از دو مقال ممتع، به خامه دکتر نصرالله پورجوادی و استاد عبدالحسین حائری برگرفته شده است:

«ابوالمجد محمد بن صدرالدین ملک مسعود قریشی ملکانی تبریزی، از خاندان معروف ملککان تبریز است که در اصل از قریش حجاز بودند و به آذربایجان مهاجرت کرده اند. پدر بزرگ ابوالمجد یعنی ملک مظفر تبریزی، ظاهراً از اعیان تبریز و شخصی بانفوذ بوده است. او شاعر هم بوده، چنانکه در نزهة المجالس یکی-دو رباعی (به شماره ۲۰۵۴، ۱۶۲۸) به نام مظفر تبریزی آمده است. پدر ابوالمجد، ملک مسعود بن مظفر (۷۴۴ق)، از رجال و دبیران تبریز در دوره ایلخانان مغول بود. وی نیز شعر می سروده و ابوالمجد در خلاصه الاشعار ابیاتی از او را آورده است. عموی ابوالمجد، ملک محمود بن مظفر (م ۶۹۶ق)، نیز از شاعران برجسته تبریز بوده است. ابوالمجد دیوان او را با دیباچه ای ادیبانه از خود، در سفینه کتابت کرده است.

در روزگاری که ابوالمجد-و جد و باب و عمش-در تبریز به سر می بردند، این شهر مهم ترین مرکز فرهنگی ایران و محل آمد و شد رجال بزرگی چون خواجه نصیر طوسی، شمس الدین جوینی و رشیدالدین فضل الله همدانی بود. در آن عصر علما و شعرا و ادبا از نقاط مختلف به تبریز روی آوردند و طبعاً در میان خود تبریزیان نیز اشخاص فرهنگی بسیاری پرورش یافته بودند. بازار تصوف نیز در این شهر گرم بود و شعرا اغلب یا صوفی بودند یا تمایلات صوفیانه داشتند.

چنانکه از سفینه برمی آید، ابوالمجد در رشته های حدیث و تاریخ و ادب و ریاضی در نزد استادان بزرگ تبریز درس می خوانده است. از استادان ابوالمجد-که وی از آنها در سفینه خویش یاد می کند- می توان به امین الدین ابوالقاسم حاج بله،<sup>۱۶</sup> بهاءالدین حیدر کاشی، جلال الدین عبدالحمید عتیقی و شیخ محمود

شبستری<sup>۱۷</sup> اشاره کرد.

ابوالمجد تعدادی از تألیفات خویش را در سفینه درج کرده است. این آثار عبارت اند از:

۱. الکافیة فی علم العروض والقافیة. (فارسی)
۲. مناظره السمع والبصر. (فارسی)
۳. مناظره نظم و نثر. (فارسی)
۴. الموجز فی علم اعداد الوفق<sup>۱۸</sup>. (فارسی)
۵. خلاصه الاشعار. (فارسی)
۶. حکومت علی (ع)<sup>۱۹</sup>. (فارسی)
۷. البدایع الصحیبه فی بعض الاخبار النبویه. (فارسی)
۸. احادیث نبوی. (عربی)<sup>۲۰</sup>

تصوف، بی شک از موضوعات مورد علاقه ابوالمجد تبریزی است. یکی از مسائل در خور تأمل در سفینه تبریز که دکتر نصرالله پورجوادی بدان توجه داده،<sup>۲۱</sup> و استاد عبدالحسین حائری نیز، مشافهتاً به این بنده یادآور گردیده است، مکتب ویژه ای است از تصوف که ابوالمجد و استادانش-و در مجموع محیط فرهنگی/عرفانی آن روز تبریز-بدان تعلق داشته اند. مکتبی که در عین قرابت زمانی/مکانی با مکتب محی الدین بن عربی و تصوف قونوی، رو به شرق-یعنی خراسان-داشته و از تأثیرات مکتب شیخ اکبر و شاگردانش برکنار بوده است.

۱۳. نامه بهارستان، دفتر ۲، مقاله «عرفان اصیل ایرانی در سفینه تبریز» نصرالله پورجوادی، ص ۶۰.
۱۴. نسخه برگردان «سفینه تبریز» تا چندی دیگر توسط مرکز نشر دانشگاهی منتشر خواهد شد.
۱۵. نامه بهارستان، دفتر ۳، فراخوان درون جلد.
۱۶. ابوالمجد، مرید حاج بله بوده است و دوازده اثر از وی در «سفینه» آورده است. او مهم ترین استاد ابوالمجد است.
۱۷. شیخ محمود شبستری-صاحب منظومه عرفانی «گلشن راز»-شیخ اجازه ابوالمجد است. ابوالمجد در سال ۷۲۵ق حدیثی مسند را از او نقل می کند و تصریح می نماید که وی شیخ اجازه اوست.
۱۸. انتساب این رساله به ابوالمجد، مسلم نیست.
۱۹. بنابر تذکار شفاهی استاد حائری به نگارنده، انتساب این رساله به ابوالمجد مسلم نیست.
۲۰. ر. ک: نامه بهارستان، دفتر ۲، ص ۵۹-۶۴، مقاله «عرفان اصیل ایرانی در سفینه تبریز»، به قلم نصرالله پورجوادی؛ همان، دفتر ۴، ص ۴۱-۶۴، مقاله «سفینه تبریز»، کتابخانه ای بین الدفتین»، نوشته عبدالحسین حائری (این مقال در مقدمه نسخه برگردان «سفینه تبریز» نیز خواهد آمد.
۲۱. ر. ک: نامه بهارستان، دفتر ۲، ص ۶۰-۶۳.

خلاصه الاشعار

خلاصه الاشعار، مجموعه ای از رباعیات است به گزینش ابوالمجد تبریزی، در ۵۰ باب و مشتمل بر ۵۰۰ رباعی، که به دست خود او در برگه های ۲۹۷ ب تا ۳۰۷ الف از سفینه تبریز کتابت گردیده است. در این مجموعه، از ابوسعید ابوالخیر و خیام گرفته تا فخر رازی و اثیرالدین بهری، و از مهستی گنجوی و جمال خلیل شروانی گرفته تا دیگر مشاهیر آذربایجان، رباعیاتی آمده است. همچنین در این مجموعه، ۳ رباعی از خود ابوالمجد، با عنوان «المؤلفه الفقیر» می بینیم:

ای باد صبا مژده ده روح نواز

گر زانکه رسی به کوی آن مایه ناز

آغاز کنی قصه درد دل من

بیماری و بیداری شبهای دراز<sup>۲۲</sup>

\*

آن روی که او دل مرا کاسته است

و آن چهره کی او را دل من خواسته است

بی زحمت مشاطه و بی منت او

همچون مه و آفتاب آراسته است<sup>۲۳</sup>

\*

باشد ز وفات یار چون شب روزم

ناله به دل و گریه به چشم آموزم

او شد به بهشت و من بروی صدار

در آتش دوزخ غمش می سوزم<sup>۲۴</sup>

مؤلف این اثر را در روز شنبه، سی ام جمادی الاولی سال ۷۲۱ ق به پایان آورده، چنانکه در پایان رساله نگاشته است: «تمت خلاصه الاشعار فی الرباعیات بحمد الله و منه و حسن توفیقه فی يوم السبت بعد صلوة العصر سلخ جمادی الاولی سنه احدى و عشرين و سبعمایه علی ید صاحبه و مؤلفه الحقیر الفقیر محمد بن المسعود. ۲۵» اکنون، برای آشنایی بیشتر با خلاصه الاشعار، مقدمه مشهور آن را که در برگه ۲۹۷ ب سفینه تبریز جای گرفته، می آوریم؛ با سپاس پیشاپیش از جناب استاد عبدالحسین حائری - متعنا الله بطول بقائه - که با الطاف همیشه اش فرصت دیدار و مطالعه این نسخه نفیس را فراهم ساخت، و یادکرد این نکته که نگارنده این سطور به ویراست این اثر از جمند مشغول است و اگر توفیق الهی یار شود، در آینده ای نه چندان دور منتشر خواهد گشت. و اینک آن مقدمه:

«بسم الله الرحمن الرحيم و به نستعين

کتاب خلاصه الاشعار فی الرباعیات من تألیف کاتب العبد الضعیف

محمد بن مسعود بن المظفر - أصلح الله شأنه و صانته عمّا شأنه . حمد بی غایت و آفرین بی نهایت پادشاهی را - عمّت نعماوه و تقدّست آلاؤه - کی انسان را به لطافت خلق و کرامت خلق مکرّم گردانید و خلعت عقل و تمییز دریشان پوشانید . و شکر و سپاس و مدح بی قیاس خالقی را - جلّ جلاله و عمّ نواله - کی به دست قدرت خاک آدم را کی موجب وجود انسان است کی خمرّت طینه آدم بیدی اربعین صباحاً پیرداخت و سفینه سینه انسان را در بحر وجود صدف دُرر منظوم و منشور ساخت . تشریف اکرام را بر قد بنی آدم کی و لقد کرّمنا بنی آدم<sup>۲۶</sup> او دوخت و چراغ خرد را در ابتدای کون عالم کی اولّ ما خلق الله العقل جهت هدایت ایشان او برافروخت . صورت ایشان را به از همه صورتها کی و صورکم و أحسن صورکم او آراست . آفتاب طلعت خوبان را بر آسمان جمال او پیراست .

و صلوات بی حدّ و تحیات بی عدد بر تریه مطهر و روضه منور خاتم انبیا و سیّد اصفیا، بلبل گلستان فآوحی، ۲۷ طوطی شکرستان ما أوحی، ۲۸ آسمان سای دئی فتدلی، ۲۹ کمان کش قاب قوسین أو أدنی، ۳۰ محمد مصطفی - علیه من الصلوات أفضلها ومن التحیات أكملها - باد کی بهترین عالم و عالمیان و خلاصه آدم و آدمیانست و بر آل و اصحاب و اهل بیت و احباب و مهاجر و انصار و تابعین و اخیار او باد - رضوان الله علیهم اجمعین .

اما بعد، چنین گوید جامع این دفتر، العبد الاصغر محمد بن مسعود بن المظفر، کی اگرچه از اصناف سخن شرف و حرمت کلام منشور راست، بنا بر آنکه قرآن مجید و حدیث مصطفی - علیه السلام - همه منشورست، لیکن بر مقتضای فرموده خواجه کاینات و خلاصه موجودات - علیه السلام - کی إن لله تبارک و تعالی کنوزاً تحت العرش مفاتیحها ألسن الشعرا، چون دُرر منشور در سلک نظم می آید شرفی دارد و محافظتش آسانترست و میل خاطر بدان فراوانتر . و از انواع کلام منظوم، رغبت بیشتر مردمان از عام و خاص و وضع و شریف به قسم رباعی می باشد، چه اختلاف اوزان او نزد طبع سلیم بسیار ظاهر نمی شود و اگر چنانک کسی عروض بحث نکرده باشد، متصور او آن بود کی رباعی را یک وزن بیش نیست و نیز هر معنی غریب و بدیع کی در غزلی باشد، در رباعی نیک آن معنی می توان گفتن - بنا برین مقدمات

۲۲ . رباعی آخر باب بیستم؛ سفینه تبریز، گ ۳۰۱ ب .

۲۳ . رباعی آخر باب بیست و دوم؛ سفینه تبریز، گ ۳۰۲ الف .

۲۴ . رباعی آخر باب چهل و هشتم؛ سفینه تبریز، گ ۳۰۷ الف .

۲۵ . سفینه تبریز، گ ۳۰۷ الف .

۲۶ . اسراء (۱۷)، آیه ۷۰ .

۲۷ . نجم (۵۳)، آیه ۱۰ .

۲۸ . همان .

۲۹ . همان، آیه ۸ .

۳۰ . همان، آیه ۹ .



گرد سواد و بیاض خود بر آدم و پانصد رباعی در هر باب، آنچ به معنی بهتر بود و به عبارت خوشتر، از گفتار ار باب شوق و اصحاب ذوق بر سبیل اختصار و انتخاب جمع کردم و آن را بر پنجاه باب مرتب گردانیدم و نامش خلاصه الاشعار نهادم. و ما توفیقی إلا بالله إنه خیر موفق و معین. و فهرست کتاب این است:

باب اول: در توحید و معرفت [شامل ۱۲ رباعی]

باب دوم: در طامات [شامل ۵ رباعی]

باب سوم: در نصیحت [شامل ۷ رباعی]

باب چهارم: در حکمت [شامل ۱۰ رباعی]

باب پنجم: در مدح [شامل ۱۰ رباعی]

باب ششم: در دل و احوال دل [شامل ۲۰ رباعی]

باب هفتم: در عشق و احوال عشق [شامل ۲۰ رباعی]

باب هشتم: در غم و احوال غم [شامل ۱۲ رباعی]

باب نهم: در وصال و ایام وصال و شکایت از کوتاهی شب

[شامل ۱۵ رباعی]

باب دهم: در فراق و ایام فراق و شکایت از درازی شب [شامل

۱۵ رباعی]

باب یازدهم: در حکایت از ایام وصال [شامل ۷ رباعی]

باب دوازدهم: در تمنا و آرزو مندی [شامل ۶ رباعی]

باب سیزدهم: در امید داشتن عاشق به وصال معشوق [شامل

۵ رباعی]

باب چهاردهم: در نمان داشتن عشق [شامل ۵ رباعی]

باب پانزدهم: در رسوا شدن عشق [شامل ۵ رباعی]

باب شانزدهم: در صفت بدنام شدن عاشق [شامل ۳ رباعی]

باب هفدهم: در صفت گریه و ناله عاشق [شامل ۲۰ رباعی]

باب هجدهم: در عتاب و شکایت عاشق [شامل ۷ رباعی]

باب نوزدهم: در شکایت از رقیب [شامل ۳ رباعی]

باب بیستم: در پیغام دادن عاشق به باد [شامل ۱۲ رباعی]

باب بیست و یکم: در احوال مختلف عاشق [شامل ۲۰ رباعی]

باب بیست و دوم: در وصف روی معشوق [شامل ۱۲ رباعی]

باب بیست و سوم: در وصف زلف معشوق [شامل ۲۰ رباعی]

باب بیست و چهارم: در وصف چشم معشوق [شامل ۱۲ رباعی]

باب بیست و پنجم: در وصف خط معشوق [شامل ۱۵ رباعی]

باب بیست و ششم: در وصف گوش و حلقه معشوق [شامل ۵ رباعی]

باب بیست و هفتم: در وصف ابرو و پیشانی معشوق [شامل ۵ رباعی]

باب بیست و هشتم: در وصف قد معشوق [شامل ۱۲ رباعی]

باب بیست و نهم: در وصف خال معشوق [شامل ۷ رباعی]

باب سی و یکم: در وصف لب و بوسه معشوق [شامل ۷ رباعی]

باب سی و یکم: در وصف دهان و دندان معشوق [شامل ۶ رباعی]

باب سی و دوم: در وصف کوی و خانه معشوق [شامل ۱۰ رباعی]

باب سی و سوم: در وصف خیال معشوق [شامل ۱۵ رباعی]

باب سی و چهارم: در وصف عشو معشوق [شامل ۳ رباعی]

باب سی و پنجم: در وصف وعده دادن معشوق [شامل ۳ رباعی]

باب سی و ششم: در سؤال و جواب معشوق [شامل ۵ رباعی]

باب سی و هفتم: در وصف ... ۳۱ معشوق [شامل ۳ رباعی]

باب سی و هشتم: در بیماری [و درد چشم] ۳۲ معشوق [شامل

۶ رباعی]

باب سی و نهم: در سفر و باز آمدن معشوق [شامل ۶ رباعی]

باب چهلیم: در بی وفایی معشوق [شامل ۶ رباعی]

باب چهل و یکم: در عاشق شدن معشوق [شامل ۳ رباعی]

باب چهل و دوم: در افعال مختلف معشوق [شامل ۲۵ رباعی]

باب چهل و سوم: در مراسلات [شامل ۱۰ رباعی]

باب چهل و چهارم: در هجا [شامل ۱۰ رباعی]

باب چهل و پنجم: در صفت شمع [شامل ۲۰ رباعی]

باب چهل و ششم: در صفت سماع [شامل ۱۰ رباعی]

باب چهل و هفتم: در خمریات [شامل ۱۵ رباعی]

باب چهل و هشتم: در مرثیه [شامل ۱۰ رباعی]

باب چهل و نهم: در معنی [شامل ۵ رباعی]

باب پنجاهم: در صفت گل و ریاحین [شامل ۱۵ رباعی]

\*

### کتاب نامه

- سفینه تبریز، نسخه خطی شماره ۱۴۵۹۰ در کتابخانه

مجلس شورای اسلامی.

- مختارنامه، فریدالدین عطار نیشابوری، تصحیح دکتر

محمد رضا شفیعی کدکنی، تهران، انتشارات سخن، چاپ

دوم، ۱۳۷۵.

- المعجم فی معاییر اشعار العجم، شمس الدین محمد بن قیس

الرازی، تصحیح محمد بن عبدالوهاب قزوینی - سید محمد تقی

مدرس رضوی، تبریز، کتابفروشی تهران، چاپ اول، ۱۳۳۸.

- مونس الاحرار فی دقائق الاشعار، محمد بن بدر الجاجرمی،

با مقدمه محمد قزوینی، به اهتمام میر صالح طیبی، جلد دوم،

تهران، انجمن آثار ملی، ۱۳۵۰.

- ذامه بهارستان [دو فصل نامه]، سال اول، دفتر ۲، پاییز

- زمستان ۱۳۷۹؛ سال دوم، دفتر ۳، بهار - تابستان ۱۳۸۰؛

سال دوم، دفتر ۴، پاییز - زمستان ۱۳۸۰.

- ذرّه المجالس، جمال خلیل شروانی، تصحیح دکتر

محمد امین ریاحی، تهران، انتشارات زوار، چاپ اول، ۱۳۶۶.



۳۱. در اینجا کلمه ای ناخواناست که ظاهراً واژه ای «آذری» است.

۳۲. عبارت «و درد چشم» را از عنوان باب در میانه رساله، اضافه کرده ام.

ر. ک: سفینه تبریز، گ ۳۰۴ ب.